

## نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه بندی

محمد شالی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهری بهشتی<sup>۱</sup>

محمد تقی رضویان: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهری بهشتی

چكیده

بر هم خوردن تعادل درون و برون منطقه‌ای از موانع اصلی توسعه ملی به شمار می‌رود. الگوی حاکم بر نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح ملی، در سطح مناطق و استان‌ها نیز وجود دارد. لازمه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها، شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر به لحاظ توسعه است. در این پژوهش برای نشان دادن نابرابری‌ها میان شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی ۶۱ شاخص توسعه در بخش‌های آموزش، فرهنگی- اجتماعی، جمعیتی- اقتصادی، بهداشتی- درمانی، زیربنایی- کالبدی و کشاورزی انتخاب و با بهره گیری از روش تحلیل عاملی برای هر کدام از بخش‌ها عوامل و شاخص‌های تلفیقی استخراج گردیده و به عنوان ورودی روش تاکسونومی مورد استفاده قرار گرفته و در نهایت جهت گروه‌بندی شهرستان‌ها از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. برابر بررسی‌های صورت گرفته، در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۱۹ شهرستان، یک شهرستان توسعه‌یافته، ۹ شهرستان نسبتاً توسعه‌یافته، ۶ شهرستان توسعه‌نیافته و ۳ شهرستان محروم می‌باشد. فضای استان آذربایجان شرقی از نیمه توسعه‌یافته غربی و توسعه‌نیافته شرقی تشکیل شده است. این نابرابری‌ها بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصاد سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی بویژه قطب رشد (شهر تبریز) می‌باشد.

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول:

m.shali@hotmail.com

Email:

**کلید واژگان: نابرابری‌های منطقه‌ای، شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی منطقه‌ای،  
تحلیل عاملی، آذربایجان شرقی**

**مقدمه**

در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده‌ای فraigیر و رو به گسترش قابل مشاهده است (Lees, 2010:p1&UNDP, 2010). یکی از مشخصه‌های بارز توسعه فضایی در ایران وجود نابرابری‌های منطقه‌ای است (Kalantari, 1998: p120). بی‌تر دید شکل‌گیری الگوی فضایی جمعیت و فعالیت در یک منطقه تحت تاثیر شرایط متعدد اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی است (اعتماد، ۱۳۸۷: ص ۱۱۷). و نقش سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در الگوی پراکنش عناصر فضایی حائز اهمیت است. نبود توازن در جریان توسعه میان مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری شده و به عنوان مانع در برابر توسعه ملی به شمار می‌رود ( حاجی‌پور، ۱۳۸۴: ص ۶ و احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۲). یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی منطقه‌ای و شناسایی جایگاه مناطق نسبت به یکدیگر از نظر توسعه می‌باشد. در این مقاله با گردآوری شاخص‌ها و سنجه‌های مختلف در زمینه‌های آموزش، فرهنگی- اجتماعی، جمعیتی- اقتصادی، بهداشتی- درمانی، زیربنایی- کالبدی و کشاورزی به بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی پرداخته شده است.

### طرح مساله و مبانی نظری تحقیق

در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک پدیده فraigیر و رو به گسترش قابل مشاهده است. هر چند تلاش عمومی برنامه‌ریزی اجتماعی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی در پی کاهش این نابرابری‌هاست. اما حرکت تاریخی توسعه، به رغم و به همراه افزایش ثروت، همواره در جهت گسترش نابرابری‌ها بوده است. به گفته هاروی<sup>۱</sup> "هیچ مرکزی بدون حاشیه وجود ندارد" (هاروی، ۱۳۷۶: ص ۱۱۳). این نابرابری در تبلور خارجی خود، تمرکز را در اشکال گوناگون نشان می‌دهد. کشورهای توسعه یافته در برابر کشورهای در حال توسعه، شمال در برابر جنوب، تمرکز ثروت و قدرت در سطح جهانی را نشان می‌دهد (پورخردمند

<sup>۱</sup> - David Harvey

۱۳۸۸: ص ۲۶). در سطح ملی و محلی نیز، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه جغرافیای نابرابری، قطب‌های توسعه‌یافته با مناطق محروم پیرامون وجود دارد. در این چارچوب مفهوم تمرکز با مفهوم توسعه به طور کلی و با مفهوم قطب‌های توسعه یا رشد به طور خاص، هماهنگی دارد. نخستین بار، اقتصاددان فرانسوی، فرانسوا پرو<sup>۱</sup> بود که مفهوم قطب رشد<sup>۲</sup> را مطرح کرد، هرچند در دهه ۵۰ او از این مفهوم درک فضایی نداشت. گونار میردال<sup>۳</sup> اقتصاددان سوئدی، آبرت هیرشمن<sup>۴</sup> اقتصاددان آلمانی و رائول پریش<sup>۵</sup>، اقتصاددان آرژانتینی، در کنار بسیاری دیگر از متخصصان توسعه، این مفهوم را در طول دو دهه ۵۰ و ۶۰ گسترش دادند(کلانتری، ۱۳۸۰: ص ۶۹-۷۵). طرفداران نظریه قطب رشد بر این باورند که رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی‌افتد. بلکه در نقاط یا قطب‌های توسعه‌ای اتفاق می‌افتد که از قدرت جاذبه بالایی برخوردارند. این نقاط توسعه را در کانال‌های پخش می‌کنند که بر کل اقتصاد تسری می‌باید(Alden & Morgan, 1974: p62). هیرشمن نیز بر ماهیت تمرکز طلب توسعه اقتصادی اعتقاد داشت و آن را روند قطبی شدن<sup>۶</sup> نامید. هر چند او معتقد بود که در مراحل بعدی با غیراقتصادی شدن تمرکز، روند تراوش به اطراف و یا رخنه به پایین<sup>۷</sup> رخ خواهد داد (Hansen, 1981:p16). بکارگیری سیاست قطب رشد در کشورهای مختلف نتایج گوناگونی را در پی داشته است و بررسی نتایج آنها این نکته را آشکار می‌کند که در بکارگیری آن باید دو عامل زمان و مکان در نظر گرفته شود. تجربیات حاصل از اجرای سیاست‌های قطب رشد در امر توسعه در کشورهای امریکای لاتین و افریقا، نشان‌دهنده این واقعیت است که تاثیرات جانبی قطب رشد در توسعه منطقه‌ای با توفيق همراه نبوده و نتوانسته توسعه همه جانبه و یکپارچه منطقه‌ای را موجب شود و حتی در بیشتر موارد تاثیرات منفی و زیان‌باری نیز در پی داشته است. بدین صورت که نابرابری میان مراکز (قطبهای رشد) و پیرامون (روستاها و شهرهای کوچک) همچنین میان حوزه‌های شهری و حوزه‌های روستایی به سرعت افزایش یافته است(حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ص ۷۲). سیاست قطب رشد در برنامه سوم عمرانی ایران مطرح و

<sup>1</sup> - François Perroux

<sup>2</sup> - Growth Pole

<sup>3</sup> - Gunnar Myrdal

<sup>4</sup> - Albert o. Hirschman

<sup>5</sup> - Raul Perisch

<sup>6</sup> - Polarization

<sup>7</sup> - Trickle-down

پریزی شد، اما نتوانست موقیت چندانی به دست آورد؛ چرا که هیچ یک از این قطب‌ها در نواحی کمتر توسعه یافته مکان‌یابی نشده بودند، بلکه در مراکز بزرگ استانی یا در شهرها و نواحی با رشد سریع قرار گرفته بودند. از سال‌های ۱۳۴۰ شهر تبریز به عنوان قطب رشد در شمال‌غرب کشور انتخاب شد و روند صنعتی شدن تبریز شدت گرفت. فرودگاه تبریز در سال ۱۳۴۴ و کارخانجات متعددی همچون ماشین‌سازی (۱۳۴۵)، تراکتورسازی (۱۳۴۶)، سیمان صوفیان (۱۳۴۹)، دورمن دیزل (۱۳۵۰)، پالایشگاه نفت و دیگر صنایع در این شهر احداث شد (بیزانی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۷ و انتظاری و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۸۶). به طوری که در نتیجه صنعت‌گرایی و سیاست‌های ایجاد قطب رشد و افزایش فرصت اشتغال در بخش صنعت و خدمات، شهرستان تبریز، نیروی انسانی ماهر و متخصص را از شهرستان‌های پیرامون جذب کرده و تمرکز اقتصادی، سیاسی و جمعیتی را در سازمان فضایی استان پدیدار ساخته است.

### پیشینه تحقیق

تا کنون در زمینه‌ی نابرابری‌های منطقه‌ای و شناسایی مناطق عقب‌مانده و رتبه‌بندی و سطح‌بندی در سطوح مختلف جغرافیایی، مطالعات متعددی با نگرش‌های مختلف صورت گرفته است در این پژوهش سعی شده است به بررسی مهمترین آنها پرداخته و خلاصه‌ای از اهداف و نتایج این مطالعات آورده شود. این مطالعات بیشتر در زمینه‌ی استفاده از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و زیربنایی توسعه، برای رده‌بندی مناطق مختلف جغرافیایی، از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌ها می‌باشد.

از مطالعاتی که در سطح ملی انجام شده می‌توان به سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۱)، امیراحمدی (۱۳۷۵)، کلانتری (۱۳۷۷)، شربت اوغلی (۱۹۹۱)، نوربخش (۲۰۰۰)، امیراحمدیان (۱۳۷۹) و بهشتی‌فر (۱۳۸۵) اشاره کرد. از اولین مطالعات در سطح استانی، می‌توان به رده بندی شهرهای استان فارس در سال ۱۳۵۱ توسط گروه بتل اشاره کرد که با بهره‌گیری از روش تاکسونومی عددی ۱۴ شهر استان فارس را مطالعه کرده‌اند. سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۶۲ با استفاده از ۵ شاخص بهداشتی و درمانی و بهره‌گیری از روش تاکسونومی عددی به تجزیه و تحلیل شهرستان‌های استان (۱۰ شهرستان) پرداخته و آنها را به لحاظ میزان توسعه در بخش بهداشت و درمان رتبه‌بندی کرده است. همچنین سازمان برنامه و بودجه استان‌های خوزستان (۱۳۶۳) و قزوین (۱۳۷۸) با استفاده از شاخص‌های توسعه

(به ترتیب ۱۳۵۱ و ۱۵۱۳ شاخص) در بخش‌های مختلف با استفاده از روش تاکسونومی عددی به رتبه‌بندی شهرستان‌ها پرداخته‌اند.

مهدوی (۱۳۸۱) در ساله خود تحت عنوان "تعیین درجه توسعه یافته‌گی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی" به بررسی درجه توسعه یافته‌گی شهرستان‌های استان طی سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری و ضریب دوگانگی میان شهرستان‌ها در سال ۱۳۶۵ نسبت به دهه قبل بهبود نسبی پیدا کرده، اما در سال ۱۳۷۵ درجه توسعه یافته‌گی شهرستان‌ها افت داشته و نابرابری زیادی میان شهرستان‌های استان از نظر برخورداری از امکانات توسعه وجود دارد.

تقوایی و رمضانی (۱۳۸۴) در مقاله "تحلیلی بر روند تحولات شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری" با استفاده از ۲۴ شاخص و روش طولی و عرضی ایجاد، به بررسی روند تحولات شاخص‌های توسعه شهرستان‌های استان طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ پرداخته، و نابرابری‌های موجود میان استان با کشور و شهرستان‌ها با یکدیگر را نشان داده‌اند.

در مقاله دیگر آهنگری و سعادت‌مهر (۱۳۸۶) به مطالعه تطبیقی سطح توسعه یافته‌گی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی با استفاده از ۹۰ شاخص و بکارگیری روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی پرداخته‌اند. نتایج آن حاکی از افزایش نابرابری در میان بخش‌های مختلف به جز بخش کشاورزی در طی دوره بررسی می‌باشد.

زیاری و جلالیان (۱۳۸۷) با استفاده از ۴۰ شاخص و با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی به مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه طی سال‌های ۱۳۵۵-۷۵ پرداخته‌اند. الگوی حاکم بر توسعه فضایی استان فارس را تحت تاثیر الگوی مرکز پیرامون و تئوری قطب رشد می‌دانند.

### روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش نوع تحقیق توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری، شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سرشماری سال ۱۳۸۵ بر اساس تقسیمات اداری و سیاسی کشور می‌باشد. برای تعیین درجه توسعه یافته‌گی و نشان دادن نابرابری‌ها از ۶۱ شاخص انتخابی (شامل ۱۳ شاخص آموزشی، ۱۰ شاخص جمعیتی- اقتصادی، ۸ شاخص فرهنگی-

اجتماعی، ۱۲ شاخص کالبدی- زیربنایی، ۹ شاخص بهداشتی- درمانی و ۹ شاخص کشاورزی) استفاده شده است که با مراجعه به آمارنامه‌ها و سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی استخراج و با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی<sup>۱</sup> در محیط SPSS، عوامل و شاخص‌های تلفیق استخراج شد و به عنوان ورودی روش تاکسونومی عددی<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت با روش خوشبندی سلسله مراتبی شهرستان‌ها از نظر درجه توسعه یافتگی خوشبندی و در محیط GIS به صورت نقشه استخراج گردید.

### شاخص‌های تحقیق

در تحقیق حاضر برای رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از ۶۱ شاخص انتخابی به شرح زیر استفاده شده است:

**شاخص‌های بخش آموزش:** نسبت دانشآموزان دختر به پسر در مقطع ابتدایی، نسبت دانشآموزان دختر به پسر در مقطع راهنمایی، نسبت دانشآموزان دختر به پسر در مقطع دبیرستان، نسبت کارکنان آموزشی ابتدایی به دانشآموزان ابتدایی، نسبت کارکنان آموزشی راهنمایی به دانشآموزان راهنمایی، نسبت کارکنان آموزشی دبیرستان به دانشآموزان دبیرستان، شاغلین بخش آموزش به کل جمعیت، تعداد دانشجو به ازای جمعیت، دانشجویان لیسانس و بالاتر به ازای جمعیت، تعداد دارندگان سواد عالی به جمعیت، تعداد دارندگان تحصیلات متوسطه و بالاتر به جمعیت، درصد باسوادی زنان و درصد باسوادی مردان.

**شاخص‌های بخش جمعیتی- اقتصادی:** درصد شاغلین در بخش صنعت، درصد شاغلین در بخش خدمات، تعداد قانون‌گذاران و مقامات عالی نسبت به کل جمعیت، متخصصین مرد به کل جمعیت، متخصصین زن به کل جمعیت، نرخ بیکاری (معکوس)، ضریب اشتغال مردان، ضریب اشتغال زنان، نسبت شاغلین واسطه‌گری‌های مالی به کل جمعیت، نسبت شاغلین مسکن، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب به کل جمعیت.

**شاخص‌های بخش کالبدی- زیربنایی:** درصد خانوارهای دارای برق، درصد خانوارهای شهری دارای گاز لوله‌کشی شده، درصد خانوارهای روستایی دارای گاز لوله‌کشی شده، درصد خانوارهای شهری دارای آب لوله‌کشی شده، درصد خانوارهای روستایی دارای آب لوله‌کشی

<sup>1</sup> - Factor Analysis

<sup>2</sup> - Numerical Taxonomy model

شده، درصد خانوارهای شهری دارای تلفن، درصد خانوارهای روستایی دارای تلفن، نسبت راه روستایی آسفالت به کل راه روستایی، سرانه مصرف برق، سرانه مصرف آب، تعداد بانک به ازای جمعیت، درصد واحدهای مسکونی دارای مصالح با دوام.

**شاخص‌های بخش بهداشت و درمان:** تعداد مراکز درمانی و بهداشتی به ازای جمعیت، تعداد داروخانه به ازای جمعیت، تعداد تخت بیمارستان به ازای جمعیت، تعداد ماما به ازای جمعیت، تعداد پرستار به ازای جمعیت، تعداد پزشک متخصص به ازای جمعیت، نرخ مرگ و میر شهری(معکوس)، نرخ مرگ و میر روستایی (معکوس) و شاغلان در بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی به جمعیت.

**شاخص‌های بخش فرهنگی و اجتماعی:** تعداد کتاب به ازای جمعیت، نرخ شهرنشینی، بعد خانوار (معکوس)، بعد خانوار نقاط شهری (معکوس)، سهم از جمعیت استان، میزان موالید در مناطق شهری(معکوس)، میزان موالید در مناطق روستایی(معکوس)، نسبت جمعیت ۱۴۰ ساله به کل جمعیت (معکوس).

**شاخص‌های بخش کشاورزی:** نسبت اراضی آبی به کل اراضی زیرکشت، تعداد تراکتور به وسعت اراضی کشاورزی، نسبت اراضی آبی به بهره‌بردار، نسبت کود شیمیایی به اراضی کشت شده، درصد برق مصرفی در بخش کشاورزی، عملکرد هر هکتار محصول گندم آبی، عملکرد هر هکتار محصول گندم دیم، عملکرد هر هکتار محصول جو آبی و درصد بهره‌برداران دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر.

### یافته‌های تحقیق

استان آذربایجان شرقی بر اساس تقسیمات اداری- سیاسی در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۹ شهرستان بوده است. برای تعیین درجه توسعه‌یافتنگی و نشان دادن نابرابری‌ها میان آنها از ۶۱ شاخص انتخابی شامل ۱۳ شاخص آموزشی، ۱۰ شاخص اقتصادی- جمعیتی، ۸ شاخص فرهنگی- اجتماعی، ۱۲ شاخص کالبدی- زیربنایی، ۹ شاخص بهداشتی- درمانی و ۹ شاخص کشاورزی استفاده شده است. ابتدا با بهره گیری از روش تحلیل عاملی برای هر کدام از بخش‌های فوق به ترتیب ۲، ۳، ۴، ۲، ۳، ۳ عامل و شاخص‌های تلفیقی استخراج شد. و به عنوان ورودی روش تاکسونومی مورد استفاده قرار گرفت و در نتیجه اشکال همبستگی بین شاخص‌ها بر طرف گردید و درنهایت جهت خوشبندی شهرستان‌ها از روش تحلیل خوشبندی

استفاده گردید. نتایج رتبه‌بندی و گروه‌بندی شهرستان‌های استان دربخش‌های مختلف به‌شرح زیر می‌باشد(جدول ۱):

رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر حسب شاخص‌های بخش آموزش نشان می‌دهد که شهرستان‌های مرند و جلفا بالاترین و شهرستان چاراویماق پایین‌ترین درصد توسعه‌یافتنگی این بخش را دارا می‌باشند. در این بخش شهرستان تبریز بعد از شهرستان‌های مرند، جلفا، اسکو، عجب‌شیر، آذرشهر، میانه، شبستر، بناب و سراب در رتبه دهم قرار دارد. در شاخص‌های نسبت کارکنان آموزشی ابتدایی به دانشآموزان ابتدایی و نسبت کارکنان آموزشی راهنمایی به دانشآموزان راهنمایی این شهرستان پایین‌تر از متوسط استانی قرار دارد و این امر همراه با جمعیت زیاد باعث شده که شهرستان تبریز از نظر وضعیت آموزشی در رتبه دهم قرار گیرد.

در بخش بهداشت و درمان بالاترین سطح توسعه‌یافتنگی مربوط به شهرستان‌های هشت‌رود، جلفا و تبریز و پایین‌ترین درصد توسعه‌یافتنگی هم به شهرستان بستان‌آباد تعلق دارد. شهرستان هشت‌رود در برخورداری از شاخص‌های تعداد تخت بیمارستانی به ازای جمعیت، تعداد داروخانه به ازای جمعیت، تعداد ماما به ازای جمعیت و تعداد پرستار به ازای جمعیت نزدیک به دو برابر متوسط استانی است و این امر باعث شده تا بالاتر از شهرستان‌های جلفا و تبریز قرار گیرد. این امر تاحدودی در مورد شهرستان کلیبر نیز صادق است.

رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر حسب شاخص‌های زیربنایی- کالبدی نشان می‌دهد که شهرستان‌های تبریز و شبستر بالاترین و شهرستان کلیبر پایین‌ترین درصد توسعه‌یافتنگی این بخش را دارا می‌باشند.

در بخش فرهنگی و اجتماعی شهرستان تبریز برخوردارترین و شهرستان چاراویماق محروم‌ترین شهرستان می‌باشد. و شهرستان‌های جلفا، مرند، مراغه، بناب، میانه، آذرشهر، شبستر، اسکو، سراب، عجب‌شیر، ملکان، اهر، هریس، کلیبر، هشت‌رود، بستان‌آباد و ورزقان در رتبه‌های دوم تا هجدهم قرار دارند.

رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر حسب شاخص‌های اقتصادی- جمعیتی نشان می‌دهد که شهرستان‌های تبریز و اسکو بالاترین و شهرستان اهر پایین‌ترین درصد توسعه‌یافتنگی این بخش را دارا می‌باشند.

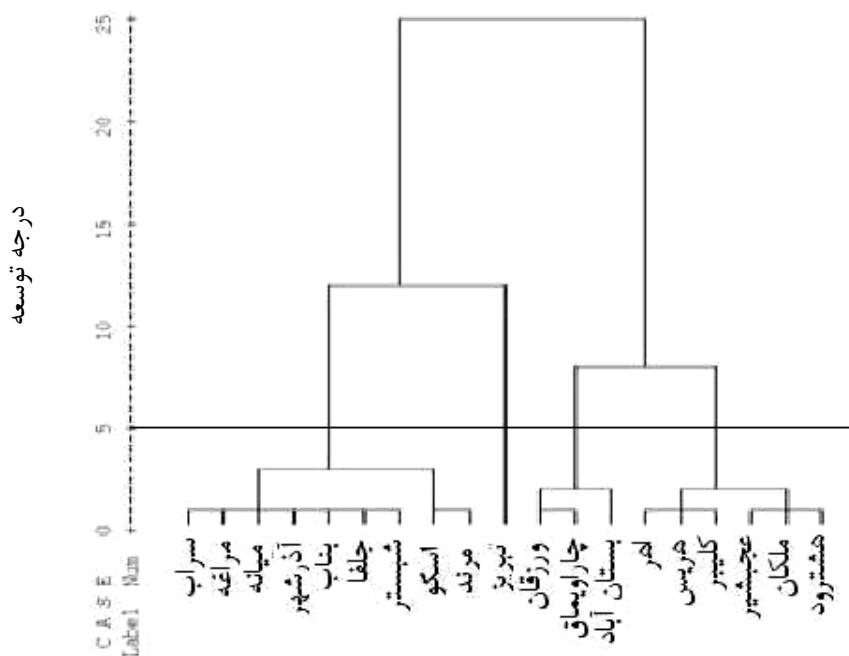
در بخش کشاورزی نیز شهرستان‌های شبستر، بستان‌آباد، سراب، اسکو و تبریز در رتبه‌های اول تا پنجم قرار دارند. عملکرد گندم و جو در شهرستان تبریز از میانگین استانی پایین‌تر بوده

و به همین دلیل نیز این شهرستان از نظر وضعیت کشاورزی در رتبه پنجم قرار گرفته است پایین‌ترین سطح توسعه از نظر کشاورزی مربوط به شهرستان‌های ورزقان و جلفا می‌باشد. رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بر حسب کل شاخص‌ها نشان می‌دهد که شهرستان تبریز بالاترین و شهرستان چاراویماق پایین‌ترین درصد توسعه‌یافتنی را دارا می‌باشند. شهرستان‌های اسکو، مرند، آذرشهر، بناب، جلفا، شبستر، میانه، مراغه، سراب، هشت‌رود، عجب‌شیر، ملکان، اهر، هریس، کلیبر، بستان‌آباد و ورزقان رتبه‌های دوم تا هجدهم سطح توسعه‌یافتنی را به خود اختصاص داده‌اند.

**جدول (۱) رتبه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در بخش‌های مختلف سال ۱۳۸۵ بر حسب محاسبات تحلیل عاملی و روش تاکسونومی عددی**

تلقیق نهایی	جمعیتی -		فرهنگی -		کالبدی -		بهداشت و درمان		کشاورزی		آموزشی		شهرستان‌ها
	اقتصادی	اجتماعی	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	
۱	۰.۴۶۳	۱	۰.۳۵۸	۱	۰.۴۱۷	۱	۰.۴۱۶	۳	۰.۴۹۵	۵	۰.۴۹۵	۱۰	۰.۵۹۶
۲	۰.۵۲۸	۲	۰.۳۸۶	۹	۰.۶۵۱	۳	۰.۴۶۸	۱۱	۰.۶۹۸	۴	۰.۴۷۵	۳	۰.۴۸۹
۳	۰.۵۶۱	۴	۰.۵۲۸	۳	۰.۵۰۹	۵	۰.۵۴۹	۸	۰.۶۸۲	۸	۰.۶۰۱	۱	۰.۴۴۹
۴	۰.۵۹۰	۳	۰.۵۲۰	۷	۰.۶۱۴	۷	۰.۶۰۷	۷	۰.۶۷۴	۹	۰.۶۱۶	۵	۰.۵۰۸
۵	۰.۵۹۲	۷	۰.۵۷۳	۵	۰.۵۸۴	۶	۰.۵۵۶	۶	۰.۶۶۵	۷	۰.۵۹۶	۸	۰.۵۷۸
۶	۰.۵۹۸	۶	۰.۵۶۹	۲	۰.۵۴۹	۸	۰.۶۲۲	۲	۰.۴۹۱	۱۸	۰.۸۷۹	۲	۰.۴۷۹
۷	۰.۶۰۰	۱۴	۰.۷۰۰	۸	۰.۶۴۶	۲	۰.۴۴۱	۱۷	۰.۸۹۴	۱	۰.۳۶۱	۷	۰.۵۶۰
۸	۰.۶۲۴	۱۲	۰.۶۸۶	۶	۰.۶۰۵	۱۰	۰.۶۸۳	۹	۰.۶۸۲	۶	۰.۵۷۸	۶	۰.۵۱۰
۹	۰.۶۳۹	۹	۰.۵۹۱	۴	۰.۵۷۰	۹	۰.۶۷۰	۱۲	۰.۷۰۲	۱۰	۰.۶۱۸	۱۲	۰.۶۸۲
۱۰	۰.۶۴۰	۱۳	۰.۶۹۵	۱۰	۰.۶۹۷	۱۴	۰.۷۴۴	۵	۰.۶۵۹	۳	۰.۴۶۱	۹	۰.۵۸۱
۱۱	۰.۶۹۶	۱۵	۰.۷۴۷	۱۶	۰.۸۳۲	۱۳	۰.۷۳۹	۱	۰.۴۶۶	۱۱	۰.۶۷۳	۱۳	۰.۷۱۷
۱۲	۰.۷۲۵	۱۸	۰.۹۵۳	۱۱	۰.۷۰۷	۴	۰.۵۴۸	۱۴	۰.۸۰۱	۱۶	۰.۸۴۲	۴	۰.۴۹۸
۱۳	۰.۷۲۲	۱۰	۰.۶۲۰	۱۲	۰.۷۱۷	۱۱	۰.۶۹۹	۱۸	۰.۹۱۶	۱۲	۰.۶۷۵	۱۴	۰.۷۶۴
۱۴	۰.۷۶۲	۱۹	۰.۹۵۵	۱۳	۰.۷۲۶	۱۲	۰.۷۲۲	۱۰	۰.۶۸۴	۱۵	۰.۸۳۸	۱۱	۰.۶۴۹
۱۵	۰.۷۶۷	۸	۰.۵۸۹	۱۴	۰.۷۲۸	۱۶	۰.۸۵۴	۱۶	۰.۸۸۶	۱۳	۰.۷۰۰	۱۶	۰.۸۳۵
۱۶	۰.۷۷۲	۵	۰.۵۵۸	۱۵	۰.۸۲۰	۱۹	۰.۹۵۴	۴	۰.۶۴۴	۱۷	۰.۸۶۷	۱۵	۰.۷۸۸
۱۷	۰.۸۱۷	۱۷	۰.۹۲۸	۱۷	۰.۸۴۶	۱۵	۰.۸۳۰	۱۹	۰.۹۶۱	۲	۰.۴۴۶	۱۷	۰.۸۹۳
۱۸	۰.۸۶۳	۱۱	۰.۶۴۶	۱۸	۰.۸۷۳	۱۸	۰.۹۳۰	۱۵	۰.۸۴۳	۱۹	۰.۹۶۹	۱۸	۰.۹۲۷
۱۹	۰.۸۶۴	۱۶	۰.۸۵۲	۱۹	۰.۹۰۲	۱۷	۰.۸۶۴	۱۳	۰.۷۰۵	۱۴	۰.۸۰۳	۱۹	۰.۹۶۱

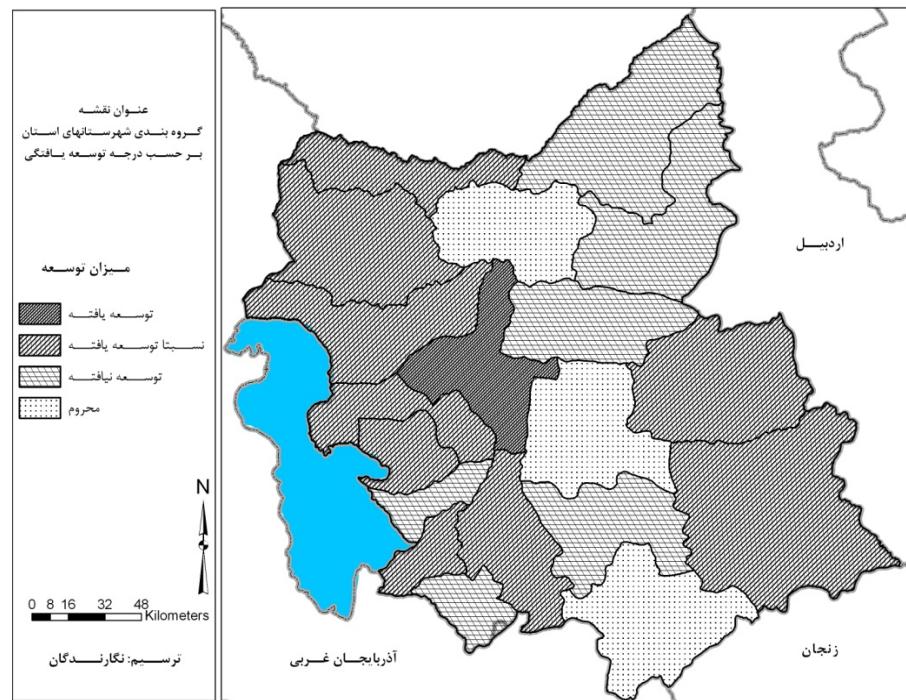
در نهایت با استفاده از روش خوشه‌بندی در محیط نرم‌افزار SPSS به خوشه‌بندی شهرستان‌ها از نظر درجه توسعه پرداختیم. براساس نمودار دندروگرام با فاصله ۵ شهرستان‌های استان در چهار سطح گروه‌بندی می‌شوند. در سطح اول شهرستان تبریز، در سطح دوم شهرستان‌های اسکو، مرند، آذرشهر، بناب، جلفا، شبستر، میانه، مراغه، سراب، در سطح سوم شهرستان‌های هشت‌رود، عجب‌شیر، ملکان، اهر، هریس، کلیبر و در سطح چهارم شهرستان‌های بستان‌آباد، ورزقان و چاراویماق قرار می‌گیرند (جدول ۲ و نقشه ۱).



شکل (۱) نمودار خوشه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با نمودار دندروگرام روش تحلیل خوشه‌ای سلسه مراتبی، بر حسب درجه توسعه

جدول (۲) شماره گروه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵ با روش تحلیل خوش‌های

شهرستان‌ها (به ترتیب درجه توسعه)	درجه توسعه	سطح توسعه
تبریز	۰/۴۶۳ و کمتر	توسعه‌یافته
اسکو، مرند، آذرشهر، بناب، جلفا، شبستر، میانه، مراغه، سراب،	۰/۶۴۰ تا ۰/۴۶۴	نسبتاً توسعه‌یافته
هشت‌رود، عجب‌شیر، ملکان، اهر، هریس، کلیبر،	۰/۷۷۲ تا ۰/۶۴۱	توسعه نیافته
بستان‌آباد، ورزقان، چاراویماق	بیشتر از ۰/۷۷۳	محروم



شکل شماره (۲) نقشه گروه‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی بر اساس درجه توسعه‌یافتنی با روش تحلیل خوش‌های

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تمرکز شدید و عدم تعادل‌های منطقه‌ای یکی از ویژگی‌های بارز در توسعه فضایی ایران می‌باشد. این ویژگی ناشی از نتایج سیاست‌های قطب رشد به شمار می‌آید که در نتیجه آن تمام امکانات و منابع در یک یا چند منطقه تمرکز می‌یابد و بقیه مناطق به صورت حاشیه‌ای در می‌آید. بر اساس یافته‌های تحقیق الگوی حاکم بر نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح ملی، در استان آذربایجان شرقی و میان شهرستان‌های آن نیز مشهود است. در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های انتخابی و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به رتبه‌بندی شهرستان‌های استان از نظر درجه توسعه پرداخته شده است. در سال ۱۳۸۵ از مجموع ۱۹ شهرستان، یک شهرستان توسعه‌یافته، ۹ شهرستان نسبتاً توسعه‌یافته، ۶ شهرستان توسعه‌نیافته و ۳ شهرستان محروم می‌باشد. فضای استان آذربایجان شرقی از نیمه توسعه‌یافته غربی و توسعه‌نیافته شرقی تشکیل شده است. این نابرابری‌ها بازتاب و برآیند عوامل محیطی، اقتصادی، سیاسی، نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی به ویژه قطب رشد (شهر تبریز) می‌باشد.

نیمه غربی توسعه‌یافته استان متشکل از مراکز جمعیتی بزرگ، نرخ شهرنشینی بالا، مراکز صنعتی بزرگ و متوسط، تمرکز فعالیت‌های خدماتی و تمرکز بخش عمده‌ای از تولیدات باگی و زراعی است. و نیمه شرقی استان با وجود قابلیت‌های فراوان معدنی- توریستی دارای کشاورزی سنتی بیشتر به صورت دیم، کارگاه‌های کوچک و پراکنده صنعتی و روستاهای کم جمعیت و پراکنده با شهرهای کوچک است. شهرستان‌های توسعه‌یافته از شبکه ارتباطی قوی برخوردار بوده و به ویژه در مسیر حرکت خطوط راه آهن و یا در نزدیکی آن می‌باشند. از یک طرف شیب زمین در غرب استان کم بوده و از سوی دیگر وجود جلگه‌های بزرگ و حاصلحیز مانند جلگه تبریز و مراغه و ... زمینه را برای جذب جمعیت و فعالیت مهیا کرده است. در حالی که نیمه شرقی استان کوهستانی است.

حال این سوال مطرح است که چگونه می‌توان جهت دستیابی به توسعه پایدار و تعادل‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای این عدم تعادل را کاهش داده و از بین برد. در اینجاست که نظریه‌های توسعه منطقه‌ای (نظیر قطب‌رشد، نیازهای پایه، مرکز- پیرامون، منظومه کشت- شهری، نظام سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها، زیست- منطقه‌گرایی و توسعه پایدار) به میان آمده و پرتوافقن برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شوند. این نظریه‌ها به تبیین علل عقب‌ماندگی یا رکود و نیز عوامل محرك توسعه پرداخته و در این چارچوب نظری، راهبردهای توسعه منطقه‌ای را ترسیم می‌کنند. مفهوم توسعه طی چند دهه اخیر از انحصار دیدگاه‌های رشد اقتصادی و انگاره غربی

خارج شده است و توسعه دیگر تنها به افزایش مصرف سرانه محدود نمی‌شود. دیدگاه‌های عدالت اجتماعی، خوداتکاپی و تعادل بوم‌شناسانه با مفهوم نوین توسعه پیوند یافته‌اند (کلاتری، ۱۳۸۰: ص ۱۰۱ و صرافی، ۱۳۷۷: ص ۴۰). پیش از این، تصور بر این بود که توسعه با رشد اقتصادی تفاوتی ندارد و هدف سیاستگذاری با افزایش رشد تولید ناخالص ملی، مصرف و درآمد سرانه همراه بود. بنابراین سرمایه‌گذاری‌ها و تشویق‌ها به سمت مکان‌هایی هدایت می‌شد که موجب تسريع در نیل به اهداف شود. با ادمه این سیاستگذاری‌ها، شکاف میان مناطق بیشتر شده و مشکلات ناشی از عدم تعادل و ناپایداری افزایش یافت. دیوید هاروی دسترسی به عدالت اجتماعی منطقه‌ای را بر اساس سه اصل عدالت اجتماعی (نیاز، استحقاق و منفعت عمومی) به قرار زیر می‌داند:

توزيع درآمد به طریقی باشد که نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود.

اختصاص منابع ویژه به طریقی باشد که ضرایب فرایندگی میان منطقه‌ای به حداقل برسد.

توزيع منابع ویژه به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی موثر واقع شود.

ساز و کارها (نهادی، سازمانی سیاسی و اقتصادی) باید به طریقی باشد که دورنمای زندگی در محدودترین مناطق تا حد امکان بهتر شود (هاروی، ۱۳۷۶: ص ۱۱۹-۱۲۰). بنابراین پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاری‌های دولتی و حمایت از بخش خصوصی بر اساس اصول عدالت اجتماعی و درجهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در استان به نفع شهرستان‌های محروم و توسعه نیافته صورت گرفته و تلاش درجهت رفع نابرابری‌ها به عمل آید.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی پور، زهرا و همکاران، ۱۳۸۶: بررسی روند شتاب توسعه‌یافتنی فضاهای سیاسی-اداری کشور؛ مطالعه موردی استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول.
۲. اعتماد، گیتی (۱۳۸۷): شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگاه، چاپ ششم.

۳. امیر احمدی، هوشنگ، ۱۳۷۵: پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران، ترجمه‌های طایفی، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹.
۴. امیراحمدیان، بهرام، ۱۳۷۹: درجه توسعه‌یافتنی استان‌ها و همسازی ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱.
۵. انتظاری، بهزاد و همکاران، ۱۳۸۶: درآمدی بر اثرات فوردهیز در توسعه شهر و مکانیابی شهرک‌های صنعتی؛ مورد نمونه: منطقه شهری تبریز، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱.
۶. آهنگری، عبدالجیاد و سعادت‌مهر، مسعود، ۱۳۸۶: مطالعه تطبیقی سطح توسعه‌یافتنی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۱.
۷. بهشتی‌فر، محمود، ۱۳۸۵: بررسی درجه توسعه‌یافتنی استان‌های کشور و مقایسه تطبیق آنها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بولی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه اقتصاد.
۸. تقوایی، مسعود و رمضانی، علیرضا، ۱۳۸۴: تحلیلی بر روند تحولات شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد هجدهم، شماره ۱.
۹. توفیق، فیروز، ۱۳۷۲: تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای، تهران، مجله آبادی، شماره ۱۰.
۱۰. حاجی‌پور، خلیل و زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۴: بررسی، تحلیل و ارائه الگویی برای نظام شهری استان خوزستان، هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۱۱. حبیبی، اکبر و دیگران، ۱۳۷۸: تعیین درجه توسعه‌یافتنی و الگوی کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای شهرستان‌های استان قزوین، سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۰: برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجد، ۱۳۸۵: کاربرد مدل‌ها در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، تهران، انتشارات علم نوین.

۱۴. زیاری، کرامت‌الله و همکار، ۱۳۸۷: مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۷۵-۱۳۵۵، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱.
۱۵. سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۶: سیمای کشاورزی استان آذربایجان شرقی.
۱۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵: گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۸۴.
۱۷. صرافی، مظفر، ۱۳۷۷: مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران، سازمان برنامه و پودجه.
۱۸. کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰: برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات خوشبین.
۱۹. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: سال‌نامه آماری استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۸۵.
۲۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
۲۱. مهدوی، بهمن، ۱۳۸۴: تعیین درجه توسعه یافته‌گی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه اقتصاد.
۲۲. هاروی، دیوید، ۱۳۷۶: *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرج حسامیان، تهران، انتشارات پردازش.
۲۳. یزدانی، محمدحسن، ۱۳۸۲: بررسی تحولات نقش و کارکرد شهرهای منطقه آذربایجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

Alden, J. and R. Morgan, (1974) *Regional Planning: A Comprehensive View*. New York: John Wiley and Sons.

Hansen, N. M, (1981) *Development from Above: the centre-down development paradigm*, in W.B. Stohr and D.F.Taylor (eds.), *Development from Above or Below?* John Wiley and Sons, Chicester.

<http://www.amar.org.ir>

Kalantari, khalil, (1998) *Identification of backward region in Iran*, Tehran, geographic research magazine, Number 48.

Lees, N, (2010) *Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice*, Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th 2010

Noorbakhsh, Farhad, (2000) *Human development and regional disparities in Iran: A policy model*, university of Glasgow, department of economics,

Sharbatoghlle, Ahamd, (1991) *Urbanization and regional disparities in post-revolutionary Iran*, west view press.

UNDP, (2010) *Human Development Report: 40-year Trends Analysis Shows Poor Countries Making Faster Development Gains*.